

## ایده‌ها

# آیا ویروس همه‌گیر کرونا ژئوپلیتیک جهانی را تغییر خواهد داد؟

تأملی در آینده مناسبات و تحولات جهانی پساکرونا

است. برخی این شرایط را نقطه عطفی می‌بینند که در آن، چین از ایالات متحده به عنوان یک قدرت جهانی پیشی می‌گیرد. مطمئناً تغییراتی ایجاد خواهد شد اما باید با فرض اینکه علت بزرگ همیشه معلول بزرگی نیز دارد، احتیاط کرد. به عنوان مثال، آنفولانزای همه‌گیر سال ۱۹۱۸-۱۹۱۹ بیش از جنگ جهانی اول کشته داد اما تغییرات جهانی پایدار جهانی که در طول دودهمه پس از آن روی داد، پیامد جنگ بود، نه بیماری. جهانی سازی یا وابستگی متقابل کشورها در سراسر قاره‌ها، نتیجه تغییر در فناوری حمل و نقل و ارتباطات بوده و بعید است که این پیشرفت‌ها متوقف شوند.

برخی از جنبه‌های جهانی سازی اقتصادی مانند تجارت، محدود خواهد شد اما جریان مالی کمتر تأثیر خواهد گرفت؛ و در حالی که جهانی سازی اقتصادی تحت تأثیر قوانین دولت‌ها است، جنبه‌های

و هم قدرت سخت آمریکا از کرونا آسیب دیده و عدم توجه به قدرت نرم، می‌تواند چالش‌های جدی‌ای را برای آینده ژئوپلیتیکی ایالات متحده و جهان رقم بزند. لازم به ذکر است این مقاله توسط خود نویسنده پس از دعوت از ایشان برای حضور در کنفرانس بین‌المللی «آوردگاه کرونا» - که از سوی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام در محل دانشگاه تهران برگزار شد - در اختیار ماهنامه «آمریکا شناسی: روایت افول یک امپراتوری» قرار گرفته است.

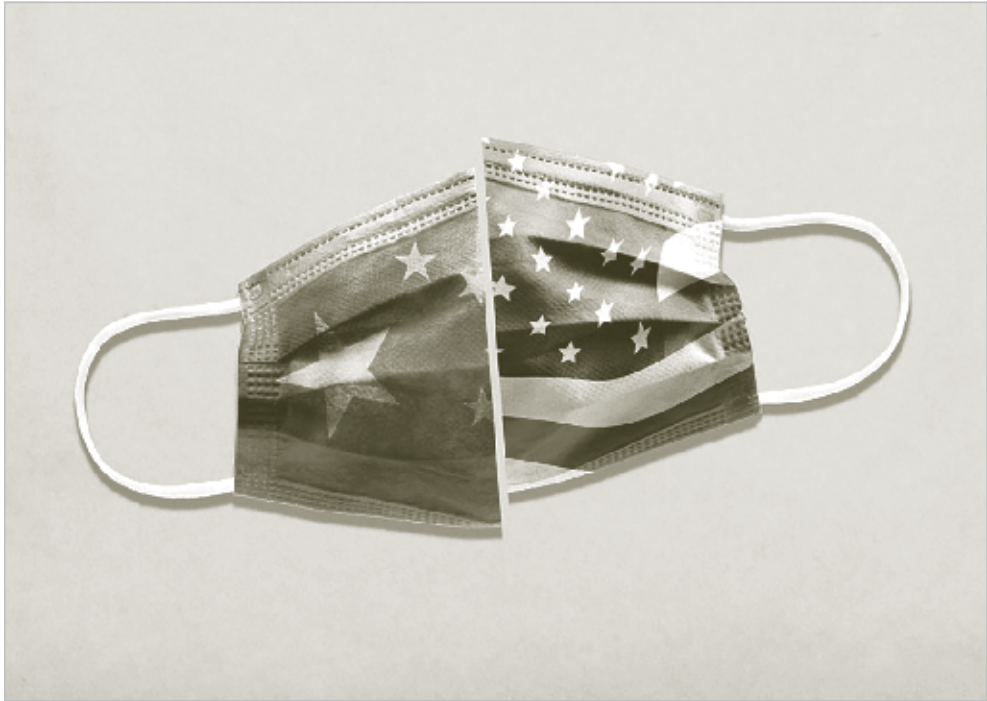
چگونه ویروس همه‌گیر کرونا ژئوپلیتیک جهانی را تغییر خواهد داد؟ بسیاری از مفسران، پایان دوره جهانی شدن را پیش‌بینی می‌کنند که از سال ۱۹۴۵ تحت رهبری ایالات متحده آغاز شده و رونق گرفته

ژوزف اس نای جی آن<sup>۱</sup> نظریه پرداز و استاد برجسته اقتصاد سیاسی دانشگاه هاروارد، در این مطلب با عنوان «نه، ویروس کرونا نظم جهانی را تغییر نخواهد داد»<sup>۲</sup> - که در ۱۶ آوریل ۲۰۲۰ تارنمای مجله فارین پالسی<sup>۳</sup> منتشر شده است - نظر متفاوتی نسبت به تحلیل‌های موجود دارد و بر این عقیده است که ما نباید درباره این ادعا که ویروس کرونا باعث تغییر نظم جهانی خواهد شد، چندان خوش بین باشیم. چین از این وضعیت منفعتی نمی‌برد و ایالات متحده، همچنان برتری خود را حفظ خواهد کرد. هرچند در این مطلب به این موضوع اذعان دارد که هم قدرت نرم

1. Joseph S. Nye Jr.

2. No, the Coronavirus Will Not Change the Global Order

3. foreignpolicy



چین در مسیر دستیابی به جایگاه رهبر اقتصادی جهان است. واکنش‌های اولیه در برابر بحران سوم قرن، یعنی ویروس همه‌گیر کرونا نیز مسیر اشتباهی را پیمود. رئیس‌جمهور چین، شی جینپینگ و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده، با تکذیب و دادن اطلاعات غلط شروع کردند. تأخیرها و پنهان‌کاری‌ها، زمان حیاتی برای آزمایش و مهار ویروس را هدر داد و فرصت همکاری‌های بین‌المللی از بین رفت. در عوض، پس از تحمیل قرنطینه‌هایی که برای خیلی‌ها گران تمام شد، دو اقتصاد بزرگ جهان، درگیر جنگ تبلیغاتی شدند. چین ارتش آمریکا را مقصر ایجاد ویروس در ووهان

شوک وحشت برای ایجاد تأثیر نامتناسب در برنامه حریف استفاده کند. سیاست‌های خارجی آمریکا با انتخاباتی که در وضعیت وحشت ایجاد شده بود، به تحریف شدیدی منجر شد که نتیجه آن، جنگ‌های طولانی در افغانستان و عراق بود. شوک دوم، بحران مالی سال ۲۰۰۸ بود که کشور با رکود بزرگ روبرو شد و این رکود، باعث به وجود آمدن پوپولیسم در دموکراسی‌های غربی و تقویت جنبش‌های استبدادی در بسیاری از کشورها شد. واکنش سریع، گسترده و موفقیت‌آمیز چین به این بحران‌ها، برخلاف واکنش کند و عقب‌مانده غرب، موجب شد تا بسیاری پیش‌بینی کنند که

دیگر جهانی‌سازی مانند بیماری‌های همه‌گیر و تغییرات اقلیمی، بیشتر توسط قوانین زیست‌شناسی و فیزیک تعیین می‌شود. دیوارها، سلاح‌ها و تعرفه‌ها، تأثیرات فراملی خود را متوقف نمی‌کنند، اگرچه رکود اقتصادی عمیق و مداوم، موجب کندتر شدن آن‌ها می‌شود.

### واکنش سریع، گسترده و موفقیت‌آمیز چین

این قرن در دو دهه، شاهد سه بحران بوده است؛ حملات تروریستی یازده سپتامبر تعداد زیادی از مردم را به کام مرگ نکشاند اما مانند جوجیتسو، تروریسم، بازی‌ای است که در آن، یک بازیکن کوچک‌تر می‌تواند از

دانست و ترامپ، درباره «ویروس چینی» صحبت کرد. اتحادیه اروپا، با اقتصادی که تقریباً به اندازه اقتصاد ایالات متحده است، در برابر عدم تفرقه و فروپاشی دچار لرزش شد. با این حال، یک ویروس نمی‌تواند مرزها یا ملیت قربانیان خود را تعیین کند.

### زمانی که قدرت نرم آمریکا آسیب دید

ناهماهنگی‌ها در واکنش آمریکا در برابر این بحران، به شهرت (همان قدرت نرم) ایالات متحده آسیب رساند. چین به کشورهای دیگر کمک نموده، آمار را به خاطر مسائل و دلایل سیاسی، دست‌کاری کرده و به تبلیغات جدی پرداخته است که همه این تلاش‌ها برای این است تا روایت ناکامی اولیه خود را به واکنشی مناسب به این بیماری تبدیل کند. با این حال، بسیاری از تلاش‌های پکن برای بازگرداندن قدرت نرم خود در اروپا و نقاط دیگر جهان، با شک و تردید مواجه شده که دلیل آن، این است که قدرت نرم بر جاذبه استوار است. در واقع، بهترین تبلیغ، عدم تبلیغ است. در قدرت نرم، چین از موقعیت ضعیفی شروع کرده است. علی‌رغم تلاش‌های بسیار این کشور از زمان رئیس‌جمهور سابق، هو جینتاو که افزایش قدرت نرم این کشور را به عنوان یک هدف در هفدهمین کنگره ملی در سال ۲۰۰۷ مطرح کرد،

پکن با تشدید اختلافات ارضی با کشورهای همسایه و با اصرار خود برای اعمال کنترل حزب سرکوبگر، یعنی عاملی که اجازه نمی‌دهد استعدادها و قابلیت‌ها مانند آنچه در جوامع دموکراسی اتفاق می‌افتد، تمام و کمال ظهور پیدا کنند، موانع بسیاری برای خود ایجاد کرده است. جای تعجب ندارد که نظرسنجی‌ها و رتبه‌بندی‌های افکار عمومی جهانی مانند Soft Power ۳۰، چین را از نظر قدرت نرم در رده پایینی قرار داده است. ۲۰ مقام برتر را در این فهرست، دموکراسی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

### ویروسی که قدرت سخت آمریکا را به چالش کشاند

در قدرت سخت نیز توازن به نفع ایالات متحده با ویروس همه‌گیر، تغییر نخواهد کرد. هر دو اقتصاد ایالات متحده و چین، مانند کشورهای متحد اروپایی و آسیای شرقی ایالات متحده بسیار ضربه خورده‌اند. قبل از بحران، اقتصاد چین به اندازه دو سوم ایالات متحده (با سنجش بر اساس نرخ ارز) رشد کرده بود اما چین با کند شدن نرخ رشد و کاهش صادراتش، گرفتار بحران شد. همچنین، پکن سرمایه‌گذاری زیادی در قدرت نظامی کرده اما هنوز از ایالات متحده، عقب‌تر بوده و ممکن است سرمایه‌گذاری‌های نظامی خود را در شرایط نامساعد بودجه‌ای، کندتر

هم نماید. از جمله مواردی که این بحران چین را وادار به انجام آن کرد، تخصیص بودجه عمده برای بهبود سیستم مراقبت‌های بهداشتی و سلامت نامناسب این کشور بود. علاوه بر این، ایالات متحده دارای مزایای ژئوپلیتیکی است که علی‌رغم این بیماری همه‌گیر، همچنان ادامه خواهد داشت. اولین مورد از این مزایا، جغرافیای کشور است؛ آمریکا با اقیانوس‌ها و همسایگان دوست، هم‌مرز است، در حالی که چین با برونئی، هند، اندونزی، ژاپن، مالزی، فیلیپین، تایوان و ویتنام، اختلافات ارضی دارد. مزیت دوم، انرژی است؛ انقلاب نفت و گاز شیل باعث شد تا ایالات متحده از واردکننده انرژی به صادرکننده خالص تبدیل شود. از سوی دیگر، چین به واردات انرژی که از خلیج فارس و اقیانوس هند عبور می‌کند، وابسته است که ایالات متحده در این منطقه، برتری دریایی دارد. همچنین، ایالات متحده از مزایای جمعیت شناختی برخوردار است؛ طبق تحقیقات آدل هایتین از دانشگاه استنفورد، در یک دهه و نیم آینده، به احتمال زیاد نیروی کار ایالات متحده، ۵ درصد رشد خواهد کرد، در حالی که نیروی کار چین، ۹ درصد کاهش می‌یابد که عمدتاً نتیجه سیاست سابق تک‌فرزندی است. جمعیت سن کار چین در سال ۲۰۱۵، به اوج

فاجعه در کشورهای در حال توسعه، اگر در بازگشت فصلی به سمت شمال بازگردد، به همه آسیب خواهد رساند. این مسئله، دقیقاً مانند سال ۱۹۱۸ است که موج دوم بیماری همه‌گیر بیش از موج اول آن کشته داد. ایالات متحده، هم به دلیل منافع خود و هم اهداف بشردوستانه، باید گروه جی ۲۰ را با کمک‌های سخاوتمندانه به یک صندوق بزرگ جدید مقابله با کووید ۱۹ تبدیل کند که در آن، به روی همه کشورها باز است.

اگر رئیس‌جمهور آمریکا می‌خواست که چنین سیاست‌های مشارکتی در جهت تقویت قدرت نرم را انتخاب کند، این احتمال وجود داشت که نتیجه خوبی از این ویروس همه‌گیر حاصل شود؛ یعنی یک دریاچه ژئوپلیتیک به دنیایی بهتر اما اگر سیاست‌های ایالات متحده در مسیر فعلی ادامه یابد، ویروس کرونای جدید به سادگی روندهای موجود را به سمت پوپولیسم ناسیونالیستی و اقتدارگرایی تسریع می‌کند؛ اما هنوز برای پیش‌بینی یک نقطه عطف ژئوپلیتیک که روابط قدرت میان ایالات متحده و چین را تغییر دهد، بسیار زود است.

خواهد بود؛ اما اگر پوپولیسم باعث شود ایالات متحده ورق‌های ارزشمند اتحاد، نهادهای بین‌المللی و باز بودن را از بین ببرد، احتمالاً لی اشتباه کرده است.

### ایالات متحده باید تقویت قدرت نرم را جدی بگیرد

از طرف دیگر، دولت جدید آمریکا می‌تواند نشانی از رؤسای جمهور آمریکا پس از سال ۱۹۴۵ داشته باشد که موفقیت‌های آن‌ها را در کتاب «آیا اخلاق مهم است؟ رؤسای جمهور و سیاست خارجی از فرانکلین دی روزولت تا ترامپ» توصیف کرده‌ام. ایالات متحده می‌توانست یک برنامه عظیم کمک برای مبارزه با کووید ۱۹ را اجرا کند که در واقع، نسخه پزشکی طرح مارشال بود. همان‌طور که اخیراً هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه سابق آمریکا اظهار داشت، رهبران باید مسیری را برای همکاری و شراکت در پیش بگیرند که به انعطاف‌پذیری در سطح بین‌المللی منجر شود، در واقع، رهبران به جای رقابت در تبلیغات و به جای اینکه به فکر قدرت و تسلط بر دیگران باشند، باید به اهمیت قدرت در کنار دیگران بیشتر توجه کنند و چارچوب‌های دوجانبه و چندجانبه برای تقویت همکاری ایجاد نمایند. کشورهای ثروتمند باید بدانند که امواج مکرر کووید ۱۹، کشورهای فقیرتری را که قادر به مقابله با آن‌ها نیستند، تحت تأثیر قرار می‌دهد و

خود رسید و هند به زودی چین را به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان پشت سر می‌گذارد؛ و نیاز به تکرار نیست که قدرت ایالات متحده ناشی از جایگاه خود در خط مقدم توسعه فناوری‌های کلیدی از جمله بیوتکنولوژی، فناوری نانو و فناوری اطلاعات نیز است. دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ایالات متحده و سایر کشورهای غربی در عرصه آموزش عالی جهانی نیز برتری دارند. همه این‌ها بیانگر این است که بیماری همه‌گیر کووید ۱۹، بعید است یک نقطه عطف ژئوپلیتیک را اثبات کند؛ در حالی که ایالات متحده همچنان بیشتر ورق‌های سر را در دست دارد که تصمیمات اشتباه سیاست، می‌تواند باعث شود تا این ورق‌ها ضعیف بازی کنند. نادیده گرفتن ورق‌های تک‌اتحادها و نهادهای بین‌المللی، می‌تواند یکی از این تصمیم‌های غلط باشد. یکی دیگر از چنین تصمیمات، محدودیت شدید مهاجرت است. مدت‌ها قبل از این بحران، وقتی از نخست‌وزیر پیشین سنگاپور، لی کوآن یو پرسیدم که چرا فکر نمی‌کند چین به زودی از ایالات متحده به عنوان یک قدرت جهانی پیشی بگیرد، یکی از دلایلی که وی به آن استناد کرد، توانایی ایالات متحده برای بهره‌گیری از استعدادها و ادغام آن‌ها در جهت تنوع و خلاقیت بود. با توجه به ملی‌گرایی قومی‌ها، این نوع باز بودن برای چین، غیرممکن

#### منبع

این مطلب در ۱۶ آوریل سال ۲۰۲۰ در تارنمای نشریه فارین پالیسی منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:

<https://foreignpolicy.com/2020/04/16/coronavirus-pandemic-china-united-states-power-competition/>